نگاه

فرصت مناسب دولت برای بازنگری قیمت سوخت

مهران امیرمعینی

در شرایط حال حاضر و با توجه به اینکه قیمت ارز از سوی دولت تک نرخی شده است منطقی است که با توجه به الزامات قانونی که در زمان اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها مورد توجه و ابلاغ قرار گرفت قیمت فرآورده‌های نفتی هر چه بیشتر به قیمت‌های فوب خلیج فارس نزدیک شود تا دولت از این محل یارانه کمتری را پرداخت کند. البته در زمان اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها قرار بود که قیمت سوخت نه یک‌باره که به صورت پلکانی افزایش یابد و به ۹۰ تا ۹۵ درصد قیمت سوخت در فوب خلیج فارس برسد که متاسفانه این روال قانونی روی نداد و هر بار بنا به توجیهاتی که نمایندگان مجلس و برخی کارشناسان داشتند این روال برنامه‌ریزی شده اجرایی نشد. از سوی دیگر با توجه به اینکه در این سال‌ها قیمت ارز نیز ثابت نماند و دستخوش تغییرات زیادی شد موجب شد تا به دلیل تاثیرات تورمی افزایش قیمت سوخت قیمت فرآورده‌های نفتی در یکی دو سال گذشته ثابت بماند تا شوک ناشی از افزایش قیمت ارز و سوخت تورمی را به جامعه تحمیل نکند و این امر موجب شد تا هیچگاه قیمت سوخت در ایران به قیمت فوب خلیج فارس نرسد. اما در شرایط فعلی که دولت پذیرفته است تا قیمت ارز را افزایش داده و به قیمت ثابت ۴۲۰۰ تومان برساند می‌توان مجددا بحث بازنگری در قیمت سوخت را به صورت منطقی مطرح کرد. چرا که این تاخیرها در اجرای واقعی شدن قیمت سوخت می‌تواند در آینده فشار بیشتری را به جامعه وارد کند. البته تجربه‌های قبلی نشان داده است که دولت‌ها همواره منتظر فرصت‌های مناسب هستند تا تصمیم‌های خود را اتخاذ کنند تا خود را از زیر بار فشاری که به دوش می‌کشند خلاص کنند. همین تجربه‌ها نشان داده هر بار که پنجره‌ای برای دولت‌ها باز شده پیشنهادات پرش قیمتی از سوی دولت‌ها مطرح شده است که فشار مضاعفی را به جامعه تحمیل می‌کند و همین تصمیمات منجر به تقویت تورم هم می‌شود بنابراین از نظر منطقی پیشنهادات آنی و یک دفعه‌ای دولت‌ها به صرفه اقتصاد نیست و بهتر است زمانی که دولت فرصتی برای اجرای پلکانی و منطقی افزایش قیمت فرآورده‌های نفتی یافته است تصمیمی برای بازنگری در قیمت فرآورده‌های نفتی را اجرایی کند تا هم فشار تورمی کمتری به جامعه تحمیل شود و هم مردم راحت‌تر با افزایش قیمت این حامل‌ها کنار بیایند.

ادامه از صفحه اول

موفقیت سیاست‌های ارزی

تفاضل تورم ریال و دلار در همان دوره به‌طور متوسط به بیش از ۱۸ درصد رسیده بود. در آن زمان با وجود تمایل دولت، تثبیت نرخ ارز دوامی نیافت و افزایش نرخ ارز از سال ۱۳۹۰ آغاز شد و در سال ۱۳۹۱ با جهش شدید مواجه شد. طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶ نیز این چرخه تکرار شد و روند کاهش نرخ ارز حقیقی تا پاییز ۱۳۹۶ ادامه یافت. در این دوره نیز عواملی مانند انباشت شکاف بین تورم داخل و خارج، کاهش نرخ سپرده بانکی در تابستان سال گذشته و اثرگذاری عامل انتظارات و هجوم سوداگران به بازار ارز، نرخ ارز را در زمستان سال گذشته با جهش مواجه کرد. جهش اخیر نرخ ارز طبیعتا هم بر افزایش نرخ تورم تاثیر خواهد گذاشت و هم به واسطه ایجاد انحراف نقدینگی از سرمایه‌گذاری به سمت سوداگری، بر کاهش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی در دوره‌های بعد تاثیر خواهد گذاشت. در چارچوب جدید سیاست‌های ارزی، نرخ ارز با حمایت دولت تثبیت شده و مقررات سختی برای مدیریت منابع ارزی در نظر گرفته شده است. با این حال برای پایداری و کارایی سیاست‌های ارزی، این مساله بسیار حایز اهمیت است که زمینه‌های جهش ارز در آینده کاهش یابد. همان‌طور که گفته شد، مهم‌ترین عامل اقتصادی بی‌ثباتی نرخ ارز، تورم مزمن اقتصاد ایران است و کاهش تورم مزمن نیز مستلزم اصلاحاتی مانند افزایش انضباط مالی و توازن بودجه دولت، استقلال بانک مرکزی، اصلاح ساختار نظام بانکی و مدیریت مناسب درآمدهای نفتی و نظایر آن است. علاوه بر ضرورت کنترل تورم، موفقیت دولت در سیاست‌های ارزی، مستلزم اقداماتی مانند رفع انحصار خرید ارز نفتی توسط بانک مرکزی، استفاده از ظرفیت بازار بورس برای افزایش شفافیت و کارایی بازار ارز، پایبند بودن به الزامات رژیم ارزی شناور و اجتناب از تثبیت نرخ ارز اسمی و در نهایت رفع تدریجی برخی محدودیت‌های وضع شده فعلی به‌دنبال برقراری آرامش در بازار ارز است.

ترکیه و عملیات علیه سوریه

این نگاه خواسته و ناخواسته سال‌هاست بیش از اینکه تامین کننده منافع ملی ایران باشد، روابط تهران و آنکارا را به گونه‌ای هدایت کرده که بیش از اینکه خروجی روابط برد- برد باشد، معادله آن به نفع آنکارا بوده است. در این راستا نگاهی به سطوح روابط در اغلب حوزه‌ها و اظهارات طرفین ایرانی و ترکیه‌ای در مقاطع مختلف، بیانگر تسلط این نگاه بوده است. البته این رویکرد هر دو جناح اصولگرا و اصلاح‌طلب بوده که پرداخت به آن از حوصله این یادداشت دور است. در حالی که حمایت‌های ترکیه در ظهور و تقویت داعش امری مسجل در داخل ترکیه بوده و اسناد آن توسط حزب جمهوریخواه در مجلس ترکیه ارایه و در رسانه‌ها بارها منتشر شده و برای غرب، مسکو، بغداد، دمشق و... نیز روشن بوده است، در داخل ایران همیشه برخی به آن به دیده تردید می‌نگریستند. مشارکت ترکیه در گفت‌وگوهای سوچی و آنکارا بیش از آنکه حاصل تغییر ذهنیت در نگاه به داعش، رقابت با ایران، اختلاف‌نظر با امریکا و... باشد، حاصل تغییر رفتار به هدف تغییر موقعیت بوده و هست. اظهارات رجب طیب اردوغان، رییس‌جمهور ترکیه مبنی بر نگاه آنکارا به امریکا به عنوان متحد، به روسیه به عنوان شریک و ایران به عنوان کشور همکار، به اندازه کافی اهداف ترکیه در روابط خود با این کشورها را روشن می‌سازد. ترکیه دیروز نیز بر سقوط بشار اسد، رییس‌جمهور سوریه تاکید داشت و امروز نیز خواستار برکناری او است. ترکیه همان کشور حامی داعش است که شرایط را درک کرده و گام‌های خود را منطبق با آن برمی‌دارد. تصرف عفرین حاصل این تغییر رفتار و بهره‌گیری از موقعیت‌ها است. حمایت ترکیه از عملیات امریکا را در داخل کشور برخی برنتابیده و با الفاظ خارج از عرف آن را تحلیل کرده‌اند، این در حالی است که ترکیه همان است که بود و این ما بودیم که در برخی تحلیل‌ها بیراهه رفتیم. ترکیه بیش از نهصد کیلومتر با سوریه مرز مشترک داشته و با معضل جدی کردی در داخل مواجه است. ظهور اقلیم دیگر کردی و پیوند طبیعی آن با کردهای ترکیه می‌تواند پایان ترکیه باشد. ترکیه با توجه به شرایط و ضرورت‌ها برای تامین تمامیت ارضی و منافع خود با شیطان نیز پیمان همکاری می‌بندد. نگاه اخلاقی به صحنه سیاست و قایل بودن به مردی و نامردی در معادلات سیاسی، حاصل نگاه ساده‌اندیشانه‌ای است که محاسبات معادلات زمینی را، در آسمان‌ها می‌جوید. ترکیه خود را اسیر نگاه ایدئولوژیک نکرده و هر کجا منافع او تامین شود همانجا خواهد بود. شرکت در روند سوچی و حمایت از حمله امریکا تبلور این نگاه است. نکته آخر آنکه نه‌تنها راه آنکارا و در این میان مسکو، از تهران جدا است، بلکه در نقطه نهایی، بغداد نیز میان انتخاب ایران و امریکا، واشنگتن را برگزیده و جبهه مقاومت نیز در شرایط خاص سازش خواهد کرد. ایران باید تلاش کند از دام انزوای جهانی و غربت منطقه‌ای خارج شده و اگر نمی‌تواند شرایط را تغییر دهد، برای ماندگاری ایران، ذهنیت منتهی به بن‌بست‌های استراتژیک را تغییر دهد. نباید به آن سو برویم که تصمیمات سخت را در شرایط دشوار بگیریم.

اخبار بنگاه‌ها

قائم‌مقام ارشد مدیرعامل گروه خودروسازی سایپا:

پرداخت مطالبه‌های قطعه‌سازان شتاب می‌گیرد

قائم‌مقام ارشد مدیرعامل گروه خودروسازی سایپا گفت: سایپا با هدف شتاب بیشتر در امر تولید و دستیابی به برنامه بزرگ خود در سال جاری، پرداخت طلب‌های مالی شرکت‌های قطعه‌ساز زنجیره تامین را با سرعت بیشتری انجام خواهد داد. به گزارش سایپانیوز، محمدرضا هنری کیا با اشاره به بازدید هفته گذشته مدیران ارشد گروه خودروسازی سایپا از چند مجموعه قطعه‌سازی زنجیره تامین افزود: در بازدید از شرکت‌های قطعه‌ساز و دیدار با مدیران آنها، تسریع در پرداخت مطالبات این شرکت‌ها با هدف پاسخگویی به نیاز سایپا در امر تولید مورد بررسی قرار گرفت و این گروه تصمیم دارد سیاست سال گذشته خود در این امر را با قدرت بیشتری دنبال کند. به گفته وی سایپا سال گذشته بیش از ۶ هزار میلیارد ریال از طلب قطعه‌سازان را با یک برنامه مبتکرانه و همکاری شبکه بانکی کشور پرداخت کرده است و امسال هم این روند را با جدیت دنبال خواهد کرد. پس از اجرای این طرح توسط مدیریت ارشد سایپا، تولید خودرو در این گروه افزایش چشمگیری یافت و این گروه توانست تمام رکوردهای قبلی خود در زمینه تولید روزانه، هفتگی و ماهیانه را جابه‌جا کند؛ ضمن اینکه گروه سایپا هدف تولید خود در سال ۹۶ که تعداد ۶۶۶ هزار و ۶۶۶ دستگاه خودرو بود را نیز محقق کرد. هنری کیا به وجود توانمندی‌ها و قابلیت‌های فراوان صنعت قطعه‌سازی کشور اشاره کرد و افزود: سایپا در یک برنامه جدید تلاش می‌کند، این شرکت‌ها را در زمینه انتقال فناوری‌های تولید قطعات جدید و پیشرفته

یاری کرده و زمینه مشارکت آنها در برنامه توسعه محصول را فراهم کند. قائم‌مقام ارشد مدیرعامل گروه خودروسازی سایپا همچنین به اصرار سایپا مبنی بر مشارکت قطعه‌سازان داخلی در برنامه تولید محصولات آینده گروه اشاره کرد و آن را سیاست اصولی سایپا در زمینه حفظ اشتغال کارگران ایرانی و حمایت از تولید داخلی دانست. هنری کیا با بیان اینکه تولید هر خودروی خارجی در سایپا به تدریج، به داخلی‌سازی ۵۰ درصدی خواهد رسید، افزود: بسیاری از طرف‌های خارجی در مذاکرات، به‌دنبال تولید کامل قطعات خودروهای خود در سایر نقاط جهان و مونتاژ این محصولات در ایران هستند که ما با پایبندی روی اصول خود، با این برنامه مخالفیم و خواستار مشارکت قطعه‌سازان ایرانی در تولید این خودروها هستیم. گفتنی است مدیرعامل گروه خودروسازی سایپا هفته گذشته به‌همراه جمعی از مدیران ارشد این گروه ضمن بازدید از چند شرکت قطعه‌سازی در استان خراسان رضوی در جریان توانمندی‌ها و قابلیت‌های این شرکت‌ها قرار گرفت.

اقتصاد انرژی

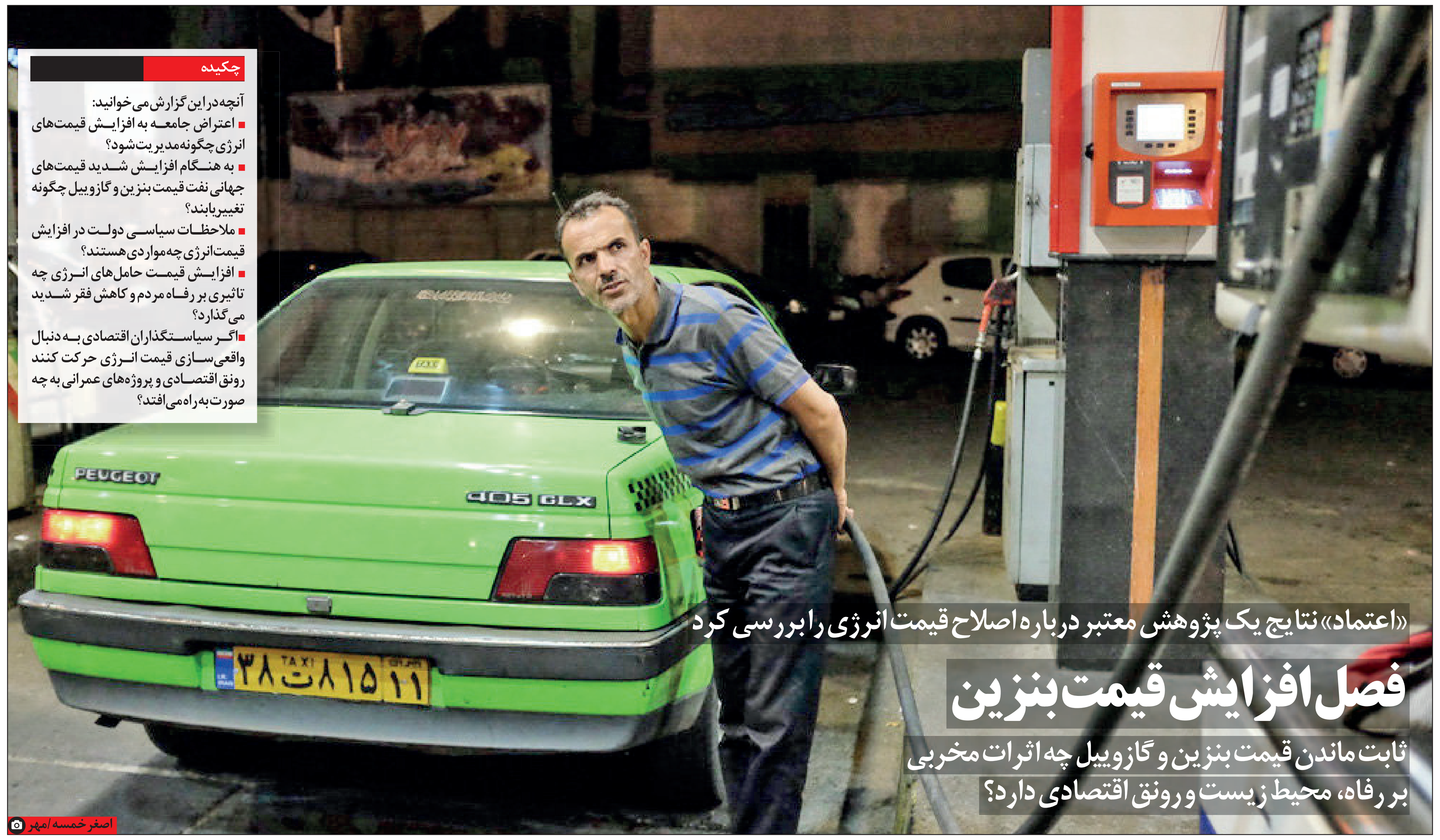

چکیده

آنچه در این گزارش می‌خوانید:
- اعتراض جامعه به افزایش قیمت‌های انرژی چگونه مدیریت شود؟
- به هنگام افزایش شدید قیمت‌های جهانی نفت قیمت بنزین و گازوییل چگونه تغییر یابند؟
- ملاحظات سیاسی دولت در افزایش قیمت انرژی چه مواردی هستند؟
- افزایش قیمت حامل‌های انرژی چه تاثیری بر رفاه مردم و کاهش فقر شدید می‌گذارد؟
- اگر سیاستگذاران اقتصادی به دنبال واقعی‌سازی قیمت انرژی حرکت کنند رونق اقتصادی و پروژه‌های عمرانی به چه صورت به راه می‌افتد؟

«اعتماد» نتایج یک پژوهش معتبر درباره اصلاح قیمت انرژی را بررسی کرد

فصل افزایش قیمت بنزین

ثابت ماندن قیمت بنزین و گازوییل چه اثرات مخربی بر رفاه، محیط زیست و رونق اقتصادی دارد؟

اصغر خمسه/مهر

فرزان خدادادی

نتیجه یک پژوهش معتبر درباره قیمتگذاری انرژی در ایران نشان می‌دهد که تثبیت چهارساله قیمت حامل‌های انرژی به ویژه بنزین و گازوییل نه‌تنها منجر به افزایش آلودگی در کلانشهرها شده بلکه فقر را گسترش داده و دست دولت را برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر جامعه بسته است. این پژوهش که به سفارش موسسه آموزش و پژوهش در مدیریت و برنامه‌ریزی زیرنظر مسعود نیلی، مشاور اقتصادی رییس‌جمهور صورت گرفته تاکید می‌کند که اصرار به تثبیت قیمت انرژی در ایران در بلندمدت سبب خواهد شد تا علاوه بر افزایش مصرف، قاچاق نیز افزایش یابد و انواع حامل‌های انرژی با قیمت یارانه‌ای بسیار پایین به کشورهای همجوار قاچاق شود. با توجه به افزایش قیمت ارز و بالا رفتن بهای هر بشکه نفت در بازارهای جهانی و پیش‌بینی‌های صورت گرفته برای افزایش قیمت نفت ظرف ماه‌های آینده به نظر می‌رسد ثابت نگه داشتن قیمت انواع سوخت در کشور سبب شده تا با توجه به کمبود منابع مالی دولت نتواند پروژه‌های عمرانی خود را به پیش برده و رونق نسبی را ایجاد کند. از آنجا که تورم تا حدودی به ساحل آرامش رسیده و عمده مردم متوجه شده‌اند که افزایش سطح عمومی قیمت‌ها یا به عبارت عوامانه‌تر، گرانی، ربطی به افزایش قیمت ارز یا انرژی ندارد، بهتر است دولت مقدمات لازم را بر اساس قوانین بالادستی برای واقعی‌سازی قیمت انرژی فراهم کند. شاید بهتر باشد تا دولت با توجه به گرفتاری نهاد قانونگذاری به ویروس پوپولیسم، خود را ایزوله کرده و با قدرت مسیر درست اقتصادی را پیش ببرد و صادقانه به مردم بگوید که قیمت واقعی سوخت چقدر است و با واقعی کردن آن چه تغییرات مثبتی در زندگی آنان به وجود خواهد آمد. طبیعی است که با نزدیک شدن به انتخابات مجلس شورای اسلامی، نمایندگان برای جلب نظر مردم مخالفت شدیدی با واقعی‌سازی قیمت انرژی کنند که این موضوع هنگام بررسی لایحه بودجه ۹۷ مشهود بود. برخی از نمایندگان قومیت‌گرا با درجه‌ای متفاوت از پوپولیسم عملا مانع افزایش قیمت انرژی شدند و اجازه ندادند تا دولت از این محل به منابع جدیدی دسترسی پیدا کند. موضوع اصلاح قیمت حامل‌های انرژی هر ساله به عنوان یکی از مسائل بحث‌برانگیز و مهم در بین سیاستگذاران و قانونگذاران مطرح می‌شود. مخالفان افزایش قیمت حامل‌های انرژی مواردی چون فشار بر مردم و به خصوص قشر کم‌درآمد جامعه، عدم وجود زمینه مناسب اجتماعی، افزایش تورم از طریق افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل و همچنین بالا بردن انتظارات تورمی آحاد اقتصادی که خود در جهت عاملی برای افزایش تورم یا همان سرعت رشد قیمت‌ها عمل می‌کند را به عنوان دلایلی برای مخالفت خود ذکر می‌کنند. از طرفی طرفداران سیاست اصلاح یا واقعی‌سازی قیمت‌ها مواردی مثل مسائل محیط زیستی، اتلاف و سوءتخصیص منابع، مواردی چون فساد و قاچاق و... را به عنوان هزینه‌هایی که غیرواقعی بودن قیمت‌ها بر اقتصاد تحمیل می‌کنند، ذکر می‌کنند.

طبق آمارهای موجود، ایران از نظر قیمت انرژی بر حسب دلار امریکا بعد از کشورهای ونزوئلا و ترکمنستان و کویت چهارمین کشور دنیا با بنزین ارزان محسوب می‌شود. قیمت متوسط بنزین در کل کشورهای جهان حدود سه برابر و قیمت بنزین در کشورهای غالبا توسعه‌یافته حدود ۵ برابر کشور ماست. همچنین آمارها نشان می‌دهند که کشور ایران از نظر مصرف بنزین به نسبت اندازه کل اقتصاد جزو کشورهای بسیار پرمصرف در جهان قرار می‌گیرد.

بایدها و نبایدهای بازار انرژی

بر اساس این پژوهش که از سوی جمعی اقتصاددانان و پژوهشگران اقتصادی زیرنظر محمدحسین رحمتی، اقتصاددان و عضو هیات علمی صورت گرفته، ایران با پرداخت مبلغی معادل ۲۰/۷۶ درصد از تولید ناخالص به یارانه بخش انرژی بالاترین پرداختی را در بین کشورهای دنیا دارد. این در حالی است که همین شاخص برای کشورهای شیلی، ایتالیا و فیلیپین برابر با صفر و برای کشور همسایه‌مان ترکیه برابر با ۰،۰۲ درصد است. از طرفی سیاست‌های انگیزشی بهبود مصرف انرژی همانند سیکل ترکیبی و سیاست‌های تشویقی، کاهش اتلاف در شبکه توزیع و انتقال سوخت در ایران نیز بسیار کند بوده است؛ به طوری که بین سرانه مصرف انرژی و شدت انرژی رابطه مثبتی وجود داشته است.

با وجود اینکه منابع نفتی سهم پایینی از درآمدهای دولت دارد ولی بالغ بر ۸۷ درصد نوسانات مخارج دولت توسط نوسانات درآمد صادرات نفت توضیح داده می‌شود و ۷۵ درصد کاهش مخارج دولت، توسط کاهش درآمد سرانه از صادرات نفت بوده است. از طرفی تکنولوژی و بهره‌وری در بخش انرژی نیز در طول سالیان گذشته بسیار پایین بوده است.

از این نظر تقریبا همه بر لزوم اجرای سیاست‌هایی در جهت اصلاح شواهدی که برخی از آنها ذکر شد را مورد تاکید قرار می‌دهند. اختلاف در راه‌حل‌هایی است که میان موافقان و مخالفان اصلاح قیمت‌ها وجود دارد.

راز موفقیت اصلاح قیمت‌ها

بررسی تجربیات کشورهای موفق و ناموفق در زمینه اصلاحات قیمت انرژی نشان می‌دهد یک طرح موفق در اصلاح قیمت انرژی باید واجد این ویژگی‌ها باشد: موقتی باشد و پس از دوره گذار بتوان با کمترین هزینه به ساختاری مشابه بازار رقابتی در بازار انرژی دست یافت، قیمت‌های آینده بر اساس قاعده و یک نظام خودکار تصحیح شود، به افزایش منابع بودجه دولت منجر شود، نظام مالی را در بخش انرژی اصلاح کند، ساده و همه فهم باشد، قابلیت اجرا داشته باشد.

این پژوهش تاکید می‌کند که چالش اصلی در بحث بازار انرژی، حذف مخارج یارانه‌ها از دوش بودجه دولت است. اختصاص درآمد برای یارانه انرژی حمایت غیر کارا از خانوارهای محروم و صنایع نوپا است. مصرف خانوارهای کم‌درآمد و صنایع نوظهور از یارانه انرژی بسیار کمتر از خانوارهای پرمصرف و البته صنایع بزرگ پرمصرف است. به علاوه، احتمال دارد منابع مورد نیاز برای تامین اهداف رفاه اجتماعی، به قدری زیاد باشد که هزینه اضافی برای دولت در بر داشته باشد.

منابع چگونه هزینه شود؟

پژوهشگران در این مطالعه عنوان می‌کنند که هدف اساسی دوم سرمایه‌گذاری بیشتر در بخش انرژی و البته هدایت سرمایه‌ها به فناوری‌های کم‌انرژی‌بر در صنایع دیگر است. اما باید به این نکته توجه داشت که جذب سرمایه‌گذاری، تنها با اصلاح قیمت محقق نمی‌شود. به عبارت دیگر، اصلاح فناوری تابع عوامل زیادی است که بحث اصلاح قیمت انرژی یکی از این عوامل است. لذا باید در یک برنامه جامع به دنبال این هدف بود. شاهد آنکه قیمت‌های انرژی در بسیاری از کشورها اصلاح شده، ولی رسیدن به فناوری روز اتفاق نیفتاده است. بنابراین اصلاح قیمت شرط لازم است و در صورتی که شرط‌های دیگر نیز صورت نگیرند، با افزایش قیمت انرژی این هدف محقق نخواهد شد. همچنین باید دقت کرد که هدف از اصلاح قیمت حامل‌های انرژی، سرمایه‌گذاری بیشتر نیست. اگر سرمایه‌گذاری بیش از بهینه اقتصادی باشد، موجب کاهش رفاه می‌شود.

کاهش فاصله طبقاتی

هدف دیگر از اصلاح قیمت‌ها کاهش فاصله طبقاتی است زیرا خانوارهای پردرآمد سهم بیشتری از یارانه انرژی دارند و اگر این یارانه در جامعه توزیع شود، قطعا وضع افراد فقیر بهبود خواهد یافت. هدف اساسی دیگر کاهش آثار مخرب زیست‌محیطی است که یارانه انرژی به وجود می‌آورد. افزایش رقابت نیز یک هدف است، زیرا بازیگران بیشتری به صنعت انرژی وارد می‌شوند. این افراد تازه‌وارد احتمالا افرادی با استعدادهای بیشترند و نیروی انسانی در صنعت انرژی ایران را ارتقا خواهند داد. در نهایت، هدف آخر می‌تواند سهولت در پیوستن به معاهدات جهانی باشد زیرا نسبت یارانه‌ها در ایران بسیار زیاد است. نکته اساسی دیگر حذف قاچاق است که البته مطالعات دقیق زیادی برای آن در دسترس نیست، ولی به نظر می‌رسد مقدار آن بسیار گسترده است.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که یارانه انرژی یک معضل اقتصاد کلان است. به عبارت دیگر ذات سرمایه‌گذاری در بخش انرژی همراه با ریسک قیمت‌های جهانی و نرخ ارز است و چنانچه دولت بخواهد این ریسک را حذف کند، ریسک مذکور به اقتصاد کلان و تمام صنایع دیگر منتقل خواهد شد (از طریق کسری بودجه). لذا بخشی از اصلاح بازار انرژی آن است که ریسک قیمت‌ها به صورت آنی به بازار داخلی نیز منتقل شود. البته دولت باید تمهیداتی بیندیشد که نوسانات نرخ ارز به کلیه صنایع منتقل نشود و از همین منظور کاهش ریسک نرخ ارز به یک صنعت موجب اعوجاج در سیاست‌های صنعتی می‌شود.

پنج توصیه به سیاستگذاران اقتصادی

براساس نتایج به دست آمده از این پژوهش، برای اصلاح قیمت‌ها در بازار انرژی، می‌توان به پنج نکته اساسی اشاره کرد که باید در زمان اصلاحات حتما مورد توجه قرار بگیرند. اولین مورد، بحث اصلاح ساختار و قوانین بودجه دولت است. مثلا دولت باید در عوارض و مالیات دریافتی به صورت شفاف عمل کند. یارانه یعنی هزینه برای دولت و هزینه یعنی افزایش کسری بودجه که خود آثار مخربی در بر خواهد داشت. نکته دوم موضوع اقتصاد سیاسی اصلاحات است که در این راه باید تمهیدات خاصی را مدنظر داشت که مهم‌ترین آنان عبارتند از: اجرای اصلاحات در سال اول دولت جدید، در زمان اصلاح قیمت‌ها به قانون هدفمندی یارانه‌ها استناد شود، مبالغ دریافتی به بانک‌های بهینه‌سازی انرژی و زیر ساخت‌ها واریز شود. مذاکره با بازندگان و برندگان اصلاح قیمت‌ها؛ از طرفی در زمان اصلاحات از گروه‌های مختلف سیاسی نیز حمایت شود تا بلکه در جریان اصلاحات بین این گروه‌ها منازعاتی صورت نگیرد. بحث سوم، اطلاع‌رسانی و ایجاد پویش مناسب در زمان اجرای اصلاحات است. مانند مذاکره با برندگان و بازندگان، تشریح وظیفه رسانه ملی و استفاده هدفمند از ابزار آن در جهت همیاری در اجرای اصلاحات. چاپ گزارش‌های علمی و عملکردی و درنهایت حمایت از مناظره و بحث عمومی. عمل بعدی که بسیار مهم نیز هست، بحث حمایت از قشر فقیر است. در این راستا نیز باید اقداماتی صورت بگیرد که از جمله این اقدامات می‌توان به طراحی نظام جامع حمایتی هدفمند، نظام حمایت کوتاه و بلندمدت، نظام شناسایی افراد مورد نیاز و در نهایت اصلاح نظام سلامت با تمرکز بر فقرا اشاره کرد.

موانع و راهکارهای اصلاح قیمت

به اعتقاد اقتصاددانانی که این پژوهش را به انجام رسانیده‌اند برای دوره‌های افزایش قیمت باید به دو نکته اشاره کرد: اولین مورد، اینکه اصلاح قیمت‌ها به صورت پیوسته در طول ماه صورت بگیرد و ثانیا دولت باید به این موضوع توجه کند که تغییرات شدید دارای هزینه ضد رفاهی بالایی برای مصرف‌کننده است. دولت باید موانع عدم استمرار این اصلاح را شناسایی کرده و راهکارهای مناسب را نیز به کار گیرد. از جمله این موانع و راهکارها می‌توان به ملاحظات سیاسی اشاره کرد دولت باید از طرح اصلاح یارانه‌ها سیاست‌زدایی کند و با تشکیل نهاد مستقل تنظیم بازار، مسوولیت قیمت‌گذاری را تعیین کند. همچنین؛ در این حالت باید قیمت‌های داخلی به صورت خودکار با قیمت‌های جهانی تنظیم شوند. نشان دادن قیمت‌های واقعی به مردم در ابتدای طرح، راهکار مناسبی به نظر می‌رسد.

ارز و سوختی که باید واقعی شود

۶ روز از تصمیم ارزی دولت و بانک مرکزی برای تک‌نرخی شدن ارز در بازار ایران می‌گذرد و کم کم بازار در حال خوگیری به روال جدید است. حالا دیگر ماجراهای خرید و دپوی ارز در حال فروکش کردن است و بازار ارز شرایط عادی‌تری را پشت سر می‌گذارد. به نظر می‌رسد بعد از این باید شاهد تغییر و تحولاتی باشیم که قیمت تعیین شده ارز در قالب ارز تک‌نرخی روی کالاهای وابسته به ارز خواهد گذاشت. کالاهایی که دولت برای آنها در حال پرداخت یارانه است و حالا با افزایش قیمت دلار این یارانه هم کمی دستخوش تغییر می‌شود. می‌گویند دولت سالانه بیش از ۸۰ هزار میلیارد تومان برای سوخت در کشور یارانه پرداخت می‌کند. رقمی که معادل یک چهارم بودجه سالانه کشور است. البته این رقم با ارز مبادله‌ای ۳۷۰۰ تومانی بوده است و حالا بعد از ارز ۴۲۰۰ تومانی تک‌نرخی این اعداد کمی دستخوش تغییر خواهند شد. برخی مدیران نفتی قیمت واقعی بنزین معمولی و بنزین سوپر در کشور را به ترتیب ۲ هزار تومان و ۲ هزار و ۵۰ تومان در هر لیتر عنوان می‌کنند که در حال حاضر با یارانه اختصاص یافته دولتی بنزین معمولی هزار تومان و بنزین سوپر با قیمت ۱۲۰۰ تومان عرضه می‌شود. زمانی قرار بود طبق قانون توسعه‌ای کشور سالانه قیمت بنزین افزایش اندکی یافته تا قیمت بنزین در داخل کشور معادل قیمت بنزین در فوب خلیج فارس شود اما این روال با مخالفت نمایندگان مجلس هفتم و اجرای تثبیت قیمت‌ها متوقف شد تا اینکه در بزرگ‌ترین جراحی اقتصادی و اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها موضوع افزایش قیمت سوخت به نحوی دیگری استارت زده شد تا شاید روزی قیمت بنزین که با مصرف لجام گسیخته‌ای روبه‌رو شده بود با افزایش قیمت کمی متعادل شود و البته از میزان قاچاق آن به کشورهای همسایه که بنزین گرانی را مصرف می‌کنند نیز جلوگیری شود. با اجرای این طرح هر ساله دولت با مجوز مجلسی‌ها قیمت بنزین را اندکی افزایش داد اما چندی است که با مخالفت مجلسی‌ها به دنبال تبعات تورمی افزایش قیمت سوخت، قیمت بنزین در کشور ثابت مانده و حالا دولت مجبور است در کنار یارانه‌های نقدی که قرار بود از منابع آن از محل هدفمندی یارانه و افزایش قیمت سوخت تامین شود، یارانه سوخت را نیز پرداخت کند.

فوب و فراموشی قیمت سوخت

پیش از این و زمانی که بحث افزایش قیمت سوخت در کشور مطرح شد. برای کنترل مصرف سوخت در داخل و البته جلوگیری از افزایش روزانه قاچاق سوخت به کشورهای همسایه مقرر شد تا قیمت سوخت در داخل کشور به حدی افزایش یابد که با قیمت بنزین در فوب خلیج فارس همخوانی داشته باشد و دولت برای کاهش فشارهای تورمی این افزایش قیمت نیز موافقت کرد تا سالانه درصدی سوخت را گران کند و حتی زمانی نیز برخی با دستاویز قرار دادن کاهش قیمت نفت به عنوان ماده اولیه تهیه بنزین خواهان توقف افزایش قیمت شدند و عنوان کردند که قیمت سوخت با قیمت فوب همخوانی دارد و دیگر دلیلی برای افزایش قیمت سوخت وجود ندارد و در آن روزها که قیمت نفت به بشکه‌ای ۴۲ دلار رسیده بود عقب‌نشینی از افزایش قیمت سوخت مبنای منطقی یافت تا اینکه قیمت نفت در بازار جهانی مجددا روال افزایشی خود را در پیش گرفت. در حال حاضر و بنا به اعلام سایت گلوبال پتروپرایس؛ قیمت هر لیتر بنزین در فوب خلیج فارس ۵۲ سنت است که با محاسبه ارز تک‌نرخی شده ۴۲۰۰ تومان قیمت هر لیتر بنزین در خلیج فارس تقریبا ۲۲۰۰ تومان خواهد بود و این یعنی دولت هم‌اکنون برای هر لیتر بنزین مصرفی داخلی هزار و ۲۰۰ تومان یارانه می‌دهد. رقمی که پیش از تک نرخی شدن ارز برای هر لیتر بنزین نزدیک به ۹۰۰ تومان بود و هم‌اکنون با افزایش قیمت بار یارانه‌ای بیشتری بر دوش دولت گذاشته است. البته پیش از این و در زمانی که قیمت، نفت در بازار جهانی کاهش یافته بود به ۳۰ سنت نیز رسید.

الاکلنگ تولید و مصرف

این پرداخت یارانه‌ای سوخت دولت در شرایطی است که هم‌اکنون نیز با همه طرح‌های توسعه‌ای که از سوی نفتی‌ها برای تولید بنزین در داخل کشور انجام شده هنوز هم میزان مصرف و تولید بنزین در کشور به تعادل نرسیده است و همچنان مصرف از تولید بیشتر است و دولت در کنار یارانه‌ای که می‌دهد برای پاسخگویی به مصرف سوختی که ایرانیان به هوا دود می‌کنند باید مبالغی را هم صرف خرید از خارج از کشور کند تا به تعادل تولید و مصرف در داخل برسیم. البته مسوولان نفتی قول داده‌اند تا با ورود فازهای خلیج فارس در تولید بنزین به صورت صددرصد خودکفا خواهیم شد و شاید صادرکننده نیز شویم. در حال حاضر مصرف بنزین در کشور ۸۰،۳ میلیون لیتر در روز است و میزان تولید بنزین داخلی ۷۷،۴ میلیون لیتر است که قرار است در سال ۹۷ به ۸۷،۷ میلیون لیتر برسد؛ روالی که با توجه به قیمت ارز بیش از همیشه نیاز به واقعی شدن قیمت سوخت را به ذهن متبادر می‌سازد و رویکردی که در کشورهای همسایه نیز طی سال‌های گذشته و با تداوم افزایش مصرف و قیمت فوب پیاده‌سازی شده است، موجب شده تا بعد از ونزوئلا ایران در لیست ارزان‌ترین عرضه‌کننده بنزین جهان شناخته شود. و بعید به نظر می‌رسد با این روال تولید و مصرف دولت تاب و توان پرداخت یارانه سوخت را همچون روال گذشته داشته باشد چرا که از این پس دولت باید بیش از ۸۰ هزار میلیارد تومانی که تاکنون برای سوخت یارانه پرداخت می‌کرد، یارانه بدهد.

بنزین در ایران و دیگر همسایه‌ها

سایت globalpetrolprices که نرخ بنزین در کشورهای جهان را منتشر می‌کند، قیمت واقعی بنزین را در حال حاضر ۵۲ سنت یعنی نزدیک به ۲۲۰۰ تومان در هر لیتر اعلام می‌کند. تفاوت قیمت خرده‌فروشی کشورهای مختلف به سیاست‌های یارانه‌ای و مالیاتی کشورها باز می‌گردد. در واقع همه کشورها به قیمت‌های یکسان بنزین در بازارهای جهانی دسترسی دارند اما بعد از آن تصمیم می‌گیرند که با لحاظ کردن یارانه آن را ارزان‌تر یا با اخذ مالیات آن را گران‌تر به دست مصرف کننده نهایی برسانند. ایران با نرخ ۱۰۰۰ تومان معادل ۲۳/۸ سنت برای بنزین معمولی و نرخ ۱۲۰۰ تومان معادل ۲۸ سنت برای بنزین سوپر سومین بنزین ارزان دنیا را در داخل کشور توزیع می‌کند. نیم نگاهی به کشورهای همسایه هم نشان می‌دهد ایران ارزان‌ترین بنزین را در بین همسایه‌هایش دارد و این خود زمینه‌ای است برای ایجاد قاچاق به این کشورها. این گزارش نشان می‌دهد که بنزین در امارات ۱۸۰۰ تومان، افغانستان، پاکستان و آذربایجان ۲۵۰۰ تومان، عراق ۲۹۰۰ تومان، ارمنستان ۳۵۰۰ تومان و ترکیه ۵۰۰۰ تومان به فروش می‌رسد.

اقتصاد سفر

«اعتماد» چرایی انتخاب مقاصد خارجی برای سفرهای نوروزی را بررسی کرد

معمای سفر خارجی ایرانیان

نرگس رسولی

چرا برخی از افراد دوست دارند همواره خود را فقیر و پرمشکل به دوستان و آشنایان معرفی کنند؟ این روزها اگر پای درددل افراد فامیل، بازاریان و فعالان بازار اقتصادی بنشینید عمده آنها کسب و کار و زندگی خود را در وضعیت قرمز اعلام می‌کنند. در همین حال شاهد آن هستیم که در فروشگاه‌ها صف‌های طولانی برای خرید به وجود می‌آید، بیشترین دورریز غذا و میوه را در دنیا دارند! در فصل زمستان هندوانه می‌خورند و در بهار به دنبال سیب می‌گردند. عمده ایرانیان کم و بیش از این نعمات بهره مندند اما سعی بر آن دارند وضعیت خود را بحرانی نشان دهند؟

این رفتار در سفرهای نوروزی کاملا مشهودتر است. کافیست چندروزی کشور تعطیل شود. آن موقع است که بلیت گرفتن به یکی از بزرگ‌ترین مشکلات کشور تبدیل شده و جاده‌ها با ترافیک‌های سنگین روبه‌رو می‌شوند.

آمارهای موجود در حالی خبر از کاهش مسافرت‌های نوروزی خارجی ایرانیان می‌دهد که همین آمار از میزان سفرهای داخلی بیشتر است. آمارهای کم و بیش قابل استناد نشان می‌دهد تعداد مسافران نوروزی ایرانی به کشورهای دیگر به چند صد هزار نفر می‌رسد که تنها ترکیه طبق اعلام خبرگزاری آناتولی به میزان بیش از ۸ هزار نفر از ایرانیان در نوروز ۹۷ بوده است این آمار در شریطی است که فعالان تورهای خارجی نوروز ۹۷ را یکی از کم رونق‌ترین نوروزهای گذشته می‌خوانند و دلیل آن را به افزایش هزینه‌های سفر و نوسانات نرخ ارز مرتبط می‌دانند. البته این روال مسبوق به سابقه است و طبق گفته مسوولان بخش گردشگری ایران طی ۱۰ الی ۱۵ سال گذشته میزان مسافران خارجی ایران روند رو به رشدی را در پیش داشته است و هر سال بر میزان متقاضیان سفرهای خارجی افزوده شده است. روالی که تنها به مدد نوسانات نرخ ارز در برخی از سال‌ها کمی روال کاهشی یافته و سپس مجددا به شرایط قبل بازگشته است. نیم‌نگاهی به آمارهای موجود از سفرهای نوروزی نیز نشان می‌دهد در حالی که برخی آژانس‌های مسافری اعلام کرده‌اند که بسیاری از تورهای‌شان به دلیل نوسانات قیمت ارز در روزهای پایانی اسفند ماه با ریزش مسافر و کنسلی مواجه شده است اما طبق گفته مدیرعامل شرکت فرودگاه امام خمینی (ره) تعداد پروازهای خروجی این فرودگاه از ۱۶۰ پرواز در روز در ایام نوروز به ۲۵۰ پرواز در روز رسیده است که بخش قابل توجهی از آنها به فرودگاه‌های کشورهای همسایه از جمله ترکیه، ارمنستان، گرجستان، امارات و... بوده است. طبق گزارش اعلام شده از طرف رضا جعفرزاده؛ مدیر روابط عمومی سازمان هواپیمایی کشوری، با شروع سفرهای نوروزی (۲۴ اسفند تا ۱۲ فروردین ماه) حدود ۲۲ هزار و ۳۰ پرواز داخلی و بین‌المللی انجام شده است. این آمار یعنی حدود ۲ میلیون و ۷۸۱ هزار و ۲۸۸ نفر، برای تعطیلات نوروز ۹۷، بلیت هواپیما خریده‌اند؛ آماری که در مقایسه با سال‌های گذشته نشان می‌دهد که شاید سفرهای نوروزی به میزان پیش‌بینی شده قبلی رشد نیافت اما هزینه‌های سفر افزایش قابل توجهی یافته است. شرایطی که این سوال را در ذهن متبادر می‌کند که چرا ایرانیان سفر به کشورهای همسایه را به سفرهای داخلی ارجح می‌دانند و در انتخاب سفر، نخستین گزینه‌شان سفر به شهرهای مختلف کشورهای همسایه است؟ موضوعی که برخی کارشناسان آن را جذابیت‌های سفر به این کشورها و نوع برخورد با گردشگران می‌دانند.

قادری از کارشناسان سازمان صنایع دستی و میراث فرهنگی در عین حال که حق انتخاب نوع سفر را برای گردشگران محترم می‌شمارد، معتقد است که: «۱۰-۱۵ سال است که افزایش سفرهای خارجی و تمایل به سفرهای خارجی به یکی از مشکلات موجود بر سر راه جذب گردشگر داخلی دولت مبدل شده است و هر ساله برای جذاب‌تر کردن گردشگری داخلی تلاش‌هایی انجام شده است اما هنوز هم ارایه خدمات به عنوان یکی از اصلی‌ترین دلیل انتخاب مقصدهای خارجی از سوی گردشگران ایرانی شناخته می‌شود.» او با تاکید بر اینکه در بررسی‌هایی که از سوی یکی از مراکز پژوهشی روی دلایل افزایش سفرهای خارجی ایرانیان در سال‌های گذشته نیز انجام شد، اصلی‌ترین دلیل افزایش تمایل به سفرهای خارجی میزان ارائه خدمات و برآورده شدن نیازها و خواسته‌ها در هتل‌های کشورهای دیگر عنوان کرده است. قادری با مقایسه هزینه‌های سفرهای داخلی و خارجی ادامه می‌دهد: «با وجود اینکه سفرهای خارجی به خاطر نوسانات قیمت ارز، نرخ ثابتی ندارد و شناور هستند اما به دلیل انتخاب دریافت خدمات بهتر از سوی گردشگران و توریسم در مقابل پرداخت هزینه، شاهد افزایش سفرهای خارجی هستیم. طبق آماری که سازمان میراث از تعداد گردشگران ایرانی در کشورهای دیگر ارایه کرده است نشان می‌دهد که تنها در سال ۹۴، بیش از ۶ میلیون و ۶۴۴ هزار نفر از ایرانی‌ها به خارج از کشور سفر کرده‌اند. این آمار در شرایطی است که در سال ۹۳ این میزان به ۷ میلیون و ۴۴۰ هزار نفر و در سال ۹۲ به ۶ میلیون و ۹۶۰ هزار نفر افزون گشته است.» او می‌افزاید: «اگرچه در سال ۹۴ به نسبت سال‌های قبل شاهد روال کاهشی به دلیل همان نوسانات قیمت ارز بوده‌ایم اما همین روال در سال‌های ۹۵ و ۹۶ موجب ثبت ۹ میلیون سفر خارجی در سال ۹۵ و تقریبا همین میزان در سال ۹۶ شده است.» این کارشناس توریسم اگرچه موضوعات اقتصادی را در کاهش روال گردشگران خروجی ایرانی موثر می‌داند اما تاکید می‌کند: «روال ثبت شده از مسافران ایرانی که به کشورهای دیگر سفر می‌کنند نشان از ثبت تقاضای همیشگی برای سفرهای خارجی در شرایطی دارد که در کشور با وجود مزیت‌های گردشگردی، موفق عمل نکرده‌ایم و شاهد خروج مبالغ زیادی ارز برای سفرهای خارجی هستیم.» یکی دیگر از موضوعاتی که قادری، کارشناس اقتصاد گردشگری به عنوان دلیل حضور سفرهای خارجی عنوان می‌کند، انگیزه خرید و تجارت در کنار تفریح می‌داند و می‌گوید: «این تفکر که با هر توان مادی با سفر به کشورهای دیگر می‌توان کالای با کیفیت بهتر از داخل را تهیه کرد به یکی دیگر از جذابیت‌های سفرهای خارجی برای ایرانیان تبدیل شده است و در این میان نمی‌توان تفاوتی بین میزان درآمد، محل سکونت، نوع زندگی و... هر فرد ایرانی با دیگری برای سفرهای خارجی قائل شد چرا که نوع تفکر میان همه یکسان است.»

خروج بیش از ۲،۷ میلیارد دلار ارز برای سفر خارجی

این گزارش آمارهای نوروز ۹۷ از کاهش مقطعی سفرهای خارجی خبر می‌دهد اما ثبت آمار ۹ میلیون سفر ایرانی به کشورهای دیگر مخصوصا کشورهای ترکیه، آذربایجان، ارمنستان و گرجستان حکایت از کسب درآمدی خاص برای این کشورها فقط از ورود گردشگران ایرانی دارد به گونه‌ای که در گزارشی که روزنامه‌های ترک‌زبان از کسب درآمد دولت ترکیه از مسافران ایرانی منتشر کرده است نشان می‌دهد که این کشور در سال ۲۰۱۷ تنها از ورود ایرانیان درآمدی معادل ۲،۴۵ میلیارد دلار داشته است. بدین ترتیب ترکیه اصلی‌ترین مقصد گردشگری خارجی ایرانیان در سال گذشته میلادی بوده است. همین گزارش پیش بینی کرده که روند افزایش سفرهای گردشگری ایرانیان به ترکیه در سال ۲۰۱۸ میلادی نیز ادامه یابد و به ویژه شهرهای ترکیه در ماه مارس، یعنی ایام تعطیلات نوروز شاهد حضور پر تعداد گردشگران ایرانی باشد. بر اساس آمارهای وزارت گردشگری ترکیه، تعداد کل گردشگران ورودی به این کشور در سال ۲۰۱۷ میلادی با ۲۷،۸ درصد رشد به ۳۲،۴ میلیون نفر رسیده است. ایرانی‌ها در مجموع ۷،۷ درصد از کل مسافران ورودی به ترکیه را به خود اختصاص داده‌اند و بعد از روس‌ها (۱۴،۶ درصد) و آلمانی‌ها (۱۱،۱ درصد) در رتبه سوم جای گرفته‌اند.

سال	تعداد گردشگران خروجی
۱۳۸۹	۷ میلیون و ۸۰۵ هزار و ۷۲۳ نفر
۱۳۹۰	۷ میلیون و ۷۶۴ هزار و ۴۴۹ نفر
۱۳۹۱	۶ میلیون و ۵۵۸ هزار و ۱۰۳ نفر
۱۳۹۲	۶ میلیون و ۹۵۹ هزار و ۳۲۱ نفر
۱۳۹۳	۷ میلیون و ۴۴۷ هزار و ۱۴۷ نفر
۱۳۹۴	۶ میلیون و ۶۴۴ هزار و ۳۸ نفر
۱۳۹۵	۹ میلیون و ۱۹۶ هزار و ۱۴۰ نفر
۱۳۹۶ (۹ ماهه)	۸ میلیون و ۴۸۳ هزار و ۳۱۷ نفر

> ثبت آمار ۹ میلیون سفر ایرانی به کشورهای دیگر مخصوصا کشورهای ترکیه، آذربایجان، ارمنستان و گرجستان حکایت از کسب درآمدی خاص برای این کشورها فقط از ورود گردشگران ایرانی دارد به گونه‌ای که در گزارشی که روزنامه‌های ترک‌زبان از کسب درآمد دولت ترکیه از مسافران ایرانی منتشر کرده است، نشان می‌دهد که این کشور در سال ۲۰۱۷ تنها از ورود ایرانیان درآمدی معادل ۲،۴۵ میلیارد دلار داشته است.

خبر

در جلسه فعالان اقتصادی با مسوولان بانک مرکزی عنوان شد

انتظام‌بخشی به تجارت خارجی؛ هدف ارز تک‌نرخی

رییس کل بانک مرکزی در جمع اعضای اتاق بازرگانی استان‌ها و فعالان اقتصادی با تاکید بر کارشناسی بودن سیاست جدید ارزی گفت: بانک مرکزی در تدوین و اجرای سیاست تک‌نرخی کردن ارز ضمن استفاده از تجربیات سال‌های گذشته، تلاش می‌کند با اجرای صحیح این سیاست، نواقص آن را به کمترین میزان تقلیل دهد و در این مسیر لطمه‌ای به واردکنندگان و فعالان اقتصادی وارد نشود. ولی‌الله سیف در ادامه سلسله جلسات بانک مرکزی با موضوع تک نرخی کردن ارز، با بیان اینکه مدیریت منابع و مصارف ارزی کشور از الزامات شرایط کنونی کشور است، با بازخوانی شرایط ارزی گذشته و التهابات ایجاد شده گفت: نوسانات اخیر بازار ارز ناشی و تحت تاثیر عوامل غیربنیادین اقتصادی و متاثر از فضاسازی سیاسی و بین‌المللی ایجاد شده بود و در آن شرایط خاص دولت و ستاد اقتصادی ناگزیر به اتخاذ تصمیمی بود که به بهترین شکل بازار ارز مدیریت شده و آرامش به آن بازگردد. رییس شورای پول و اعتبار با بیان اینکه در گذشته با ایجاد نوسانات ارزی، برای ایجاد تعادل در این بازار سیاست تزریق ارز مدنظر قرار می‌گرفت، افزود: ادامه این رویه موجب خسران و لطمات بیشتر در زمینه تعادل ارزی می‌شد، بر این اساس تصمیم گرفته شد با ایجاد نظامات جدید و صحیح، رویه‌های گذشته اصلاح شود و خوشبختانه با استفاده از تجربیات سالیان گذشته، سیاست جدید تدوین و اجرای آن مدنظر قرار گرفت.

اجازه نمی‌دهیم به تجار خسارت وارد شود

سیف با تاکید مجدد در زمینه توجه به مدیریت صحیح منابع و مصارف ارزی خاطرنشان کرد: فعالان اقتصادی و واردکنندگان باید اطمینان داشته باشند در اجرای سیاست جدید ارزی، بانک مرکزی حامی آنهاست و اجازه نخواهد داد به آنها کمترین خسرانی وارد شود، ضمن آنکه در این مسیر نیز بانک مرکزی به اولویت‌های اقتصادی و نیازهای کالاهای اساسی و دارویی و مواد اولیه تولیدکنندگان توجه ویژه‌ای دارد. وی با اشاره به اینکه تصمیم‌های کلان در فضای اقتصادی کشور باید موجب آرامش و در نتیجه ثبات اقتصادی شود، گفت: در گذشته برای فروکش کردن التهابات ارزی و تعادل در بازار ارز، مرغوب‌ترین نوع ارز به بازار وارد می‌شد که متاسفانه به دلایلی بخشی از این نوع ارز به کالاهای غیرضروری اختصاص می‌یافت، این در شرایطی رخ می‌داد که مدیریت بهینه منابع و مصارف ارزی از الزامات اساسی کشور بود. بر این اساس با تدوین سیاست جدید ارزی ضمن تامین نیازهای ارزی، به بحث آینده‌نگری و تجهیز اقتصادی نیز توجه شده است.

بی‌نقص نیستیم

سیف با تاکید بر آسیب‌شناسی و رصد کامل سیاست جدید ارزی تاکید کرد: هیچ اقدامی فارغ از نقص و اشتباه نیست لیکن بانک مرکزی با ظرافت و دقت کامل در تلاش است نواقص این سیاست را شناسایی و برای رفع آنها چاره‌اندیشی کند. رییس کل بانک مرکزی موید موضوع دقت نظر بانک مرکزی در زمینه تدوین سیاست ارزی را تشکیل جلسات فشرده و متعدد خواند و گفت: بانک مرکزی در روزهای اخیر و در ایام تعطیلات رسمی با تشکیل جلسات داخلی و مشترک ضمن بحث و بررسی شرایط بازار، اقدام به تدوین دستورالعمل‌های لازم کرده و برخی دستورالعمل‌های دیگری نیز در دست اقدام است.

بخشی از نظم تجارت خارجی از بین رفته است

در این جلسه همچنین معاون ارزی بانک مرکزی ضمن تشریح مکانیزم تخصیص و تامین ارز بر اساس سیاست جدید بانک مرکزی گفت: تغییر و تحولاتی در ساختار ارزی کشور در حال رخ دادن است و این موضوع نیاز به تبیین و توضیح دارد. بر این مبنا بانک مرکزی با تشکیل جلسات با مسوولان ذیربط و فعالان اقتصادی درصدد زدودن ابهامات و پاسخگویی به سوالات است. سیداحمد عراقچی با بیان اینکه هدف ساختار و سیاست جدید، کنترل نیست بلکه انتظام بخشی به تجارت خارجی است، گفت: به دلیل تحریم‌های ظالمانه به ناچار بخشی از نظم تجارت خارجی از بین رفته است و بر این اساس برای ایجاد نظم و انتظام و بازگرداندن تجارت خارجی به کانال اصلی خویش یعنی نظام بانکی، سیاست جدید تدوین و در حال اجراست. وی با بیان اینکه بعد از ابلاغ مصوبه هیات دولت در خصوص بازار ارز جلسات فشرده‌ای در بانک مرکزی تشکیل شده است، گفت: از زمان ابلاغ مصوبه دولت جلساتی با وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و فعالان اقتصادی تشکیل شده است تا با ایجاد اشتراک‌نظر و رفع ابهامات ضمن استفاده از تجربیات سال‌های گذشته، کمترین نوع تغییر در سازوکار تجارت خارجی ایجاد و در نهایت ثبات و آرامش در بازار حاصل شود. عراقچی در خصوص تلاش بانک مرکزی برای رفع نواقص احتمالی سیاست جدید ارزی گفت: بانک مرکزی، با بررسی نواقص و اشکالات، بهترین نوع راهکار را پیشنهاد می‌کند.

پایگاه اطلاع‌رسانی دولت

دیدگاه

آمپر ارز

سیدیاسر جلالی

نوسانات نرخ ارز در روزهای اخیر باعث جلب توجه مردم شده است. جدای از علل و عوامل این نوسانات، می‌توان از منظری متفاوت به این پدیده ظاهرا اقتصادی توجه کرد. نرخ ارز در کنار شاخص‌های دیگری مثل نرخ تورم یا تراز تجاری، از جمله علائم هشداردهنده و به نوعی «نشانگر» اقتصادی هستند. به این معنی که برای بررسی وضعیت اقتصاد می‌توان حال و روز این نشانگرها را نگاه کرد. ارزش این نشانگرها به این است که خلاصه‌ای از وضعیت یک پدیده پیچیده و بسیار بزرگ مثل اقتصاد را به صورت سریع و خلاصه شده به ما می‌گویند. درست مثل درجه حرارت بدن انسان یا فشار خون که نشان‌دهنده وضعیت سلامت ما است. بالا یا پایین بودن فشار خون به ما هشدار می‌دهد که وضعیت غیرعادی است و باید به فکر چاره بود.

اهمیت این نشانگرهای ساده در سرعت انتقال اطلاعات و فشرده‌سازی مفاهیم و داده‌ها نیز هست. همه افراد نمی‌توانند هزاران صفحه گزارش اقتصادی و آماری را بخوانند اما چک کردن نرخ ارز در ابتدای روز مثل گرفتن فشار خون، سریعا به ما می‌گوید که حال اقتصاد چگونه است. دانش و سواد لازم برای فهمیدن و تفسیر این نشانگرها نیز ساده است و تقریبا همه از آن سر درمی‌آورند. اما همانقدر که این نشانگرها مهم هستند، دستکاری آنها خطرناک است. دستکاری عمدی و غیراصولی نرخ ارز مثل دستکاری آمپر بنزین ماشین است یا از آن بدتر دستکاری دستگاه اندازه‌گیری فشار خون برای آنکه خودمان را گول بزنیم که حال ما خوب است و مریض نیستیم! نکته مهم آنکه اگر از بالا به مسائل نگاه کنیم و در جهان اقتصاد گیر نکنیم، نشانگر نرخ ارز فقط وضعیت اقتصاد را به ما گزارش نمی‌دهد.

بلکه نشان از حال و روز دگر عضوهای جامعه مثل سیاست و فرهنگ هم دارد. زیرا فرهنگ و سیاست و اقتصاد به یکدیگر گره خورده و در حقیقت یک چیز واحد هستند و از هم جدا نیستند. بنابراین نرخ ارز نشان می‌دهد که اوضاع در سیاست و فرهنگ چگونه است.

بالا و پایین شدن شدید آمپر ارز، نشان از تغییرات شدید و تلاطم در عرصه سیاست دارد. برای درک بهتر این موضوع باید عکس قضیه را تصور کرد. یعنی تصور کنید که صرافان و معامله‌گران ارز چگونه به تحولات سیاسی توجه می‌کنند و مثلا سخنرانی فلان مقام را با دقت گوش می‌دهند (سریال آقای دلار را در خاطر آورید). هدف آنها چیست؟ آنها می‌خواهند ببینند که حال و روز سیاست چگونه است. زیرا سیاست سریعا بر اقتصاد (و نرخ ارز) اثر می‌گذارد. در نتیجه عکس آن هم صادق است و نرخ ارز نشان‌دهنده وضعیت سیاست هم هست. تلاطم نرخ ارز نشان از تلاطم در سیاست دارد و بدین معنی است که سیاست نمی‌تواند آرامش را به اقتصاد بازگرداند. یا اینکه اقتصاد از سیاست هراس دارد و نمی‌تواند رفتارهای سیاسی و تصمیمات را پیش بینی کند و این هراس را آمپر ارز خیلی فوری به ما گزارش می‌دهد. ازسوی دیگر اقتصاد و سیاست ارتباط نزدیکی با فرهنگ دارند. یعنی اگر سیاست نتوانسته آرامش را به اقتصاد بازگرداند احتمالا عدم آرامش در عرصه سیاست هم به علت نبود آرامش در حوزه فرهنگ است. جدال‌ها و دعواهای سیاسی ریشه در تفاوت و تضاد در عقاید و افکار دارد.

هر گروه و جناحی برای خود منافع و اصول و مرامی دارد و وقتی این اصول با اصول دیگران در تضاد شدید قرار می‌گیرد و یک گروه فکر می‌کند که باید به راست رفت و گروه دیگر فکر می‌کند باید به چپ رفت و بقیه را هم وادار به این کار کرد (چون از دید آنها خیر عموم در آن است) آنگاه جدال آغاز می‌شود. حالا اینجا هرقدر هم یک گروه فریاد بزند که اصلا ما به این فکر و سلیقه شما اعتقاد نداریم باز هم فایده ندارد. چون گروه‌ها هر یک طبق سلیقه و عقاید خود عمل می‌کنند و وقتی این سلایق بیش از حد متفاوت شد، آن وقت نمی‌توان انتظار داشت که وفاق و وحدت پدید آید. وقتی آمپرهای اقتصادی بیش از حد بالا و پایین می‌شود، به ما می‌گوید که تضادهای فکری و سیاست‌های متفاوت و ناهماهنگ به اوج رسیده است.

البته تفسیر این ارتباط دشوار است و در واقع فهمیدن یا خواندن آمپر ارز در اینجا نیاز به سواد و دانش خاصی دارد. اما در هر حال آمپر ارز حداقل یک دید کلی و خلاصه به ما می‌دهد که شبیه یک اشاره کوچک ولی ارزشمند است. در نهایت اینکه، ارزش این نشانگرها را باید درک کرد و قدر اطلاعات فشرده آنها را باید دانست. البته آنها فقط به ما اشاره می‌کنند و ما می‌توانیم این اشارات را درک کنیم یا اینکه آنها را نبینیم یا اصلا کل آمپر را از کار بیندازیم و خطر بی‌اطلاعی را به جان بخریم!

یادداشت

ناگفته‌های دلار

مریم نبی‌پور

غوغای بازار دلار این‌بار هم موقتا تسکین شد؛ تسکینی شاید به مراتب پرهزینه‌تر از هر درمان دیگری. به‌راستی تبعات این فراز و فرود در قیمت ارز به همین مسائلی که عموم مردم می‌بینند ختم می‌شود؟ انتظارات تورمی که به سبب همین افزایش قیمت دلار و تورم ارزی ایجاد شده است با توجه به عدم ثباتی که پرچم آن را برافراشته است نیز باید بررسی شود. یادمان نرود که آنچه به سبب این افزایش‌های مکرر در قیمت ارز دارد گریبان اقتصاد ما را می‌گیرد چیزی بیشتر از اینهاست.

مگر نه اینکه وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی قرار است نمایانگر حال و هوای حاکم بر این بخش باشند، اگر چنین است که حقیقتا هم هست این تب دلار با ثبات اقتصاد کشور چه کرده است؟ موضوعی که نمی‌توان از ارزش آن به راحتی گذشت و اعتبارش از سخن‌هایی که آقای جهانگیری، معاون اول رییس‌جمهوری در روزهای اخیر مطرح کرده بود هویدا است. آنچه این‌روزها بیشتر از قیمت دارو و کمبود ارز برای دانشجویان خارجی و... باید در اولویت باشد ایجاد همین محیط باثبات است. همین کم بودن دامنه نوسان‌ها در اقتصاد است که از طریق کاهش نااطمینانی در محیط اقتصادی می‌تواند در پیشبرد برنامه‌ریزی‌های بلندمدت موثر باشد.

دردنیای اقتصاد و به روایت تحقیق‌ها و از همه مهم‌تر گواه شواهد، از جمله عواملی که به عنوان پارامترهای تعیین‌کننده میزان ثبات در یک کشور مطرح می‌شود نسبت کسری بودجه به تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم، تغییرات درصدی نرخ واقعی ارز و انحراف معیار رشد رابطه مبادله است. در اقتصاد ما در کنار تک‌نرخی کردن تورم، آنچه می‌تواند به نوعی نشانگر اصلی آرامش درمحیط کسب‌وکار باشد از بین رفتن بازارهای چندگانه ارزی است.

حذف بازار ارز مبادله‌ای و به نوعی سهمیه‌بندی کردن آن شاید در کوتاه‌مدت از طریق پوشش دادن تقاضای واقعی موثر باشد اما آیا در بلندمدت این شرایط تکرار نمی‌شود؟ آیا این حرکت سیاستگذار که ارز را فقط به اقشار خاصی عرضه می‌کند می‌تواند در جهت ایجاد ثبات در بازار پاسخگو باشد؟ حال آنکه می‌دانیم کم نیستند افرادی که در این چارچوب تعیین‌شده از طرف دولت قادر به دریافت ارز درخواستی خود نیستند. یادمان باشد که آنچه دولت اعمال کرده است شاید بخشی از تقاضاهای سفته‌بازی که به بازارهای سیاه رونق می‌داد را کاهش دهد ولی این سیاست بر بخشی دیگر از این تقاضاکننده‌ها فشار وارد خواهد کرد و این همان عاملی است که مجددا خبر از عدم ثبات‌های آینده خواهد داد و البته آثار اقتصادی متفاوتی را بر بخش‌های مختلف اقتصاد خواهد گذاشت. ثبات اقتصادی از طریق فراهم کردن بستر مناسب و کم‌تلاطم می‌تواند با هدایت سرمایه‌های بخش خصوصی به فعالیت‌های مولد نقش موثری بر رشد اقتصاد داشته باشد. آنچه در شرایط کنونی مطرح است خبر از نااطمینانی و در پی آن ترس از واقعی نبودن قیمت‌ها است و این یعنی بازهم بی‌ثباتی در آینده. برخی پژوهش‌های اقتصادی آن دسته از پارامترهای کلانی که قرار است به عنوان نماینده‌های اقتصاد امن معرفی شوند را وضعیت شاخص کل بورس، نرخ سود بانکی بلندمدت و نرخ تورم معرفی کرده‌اند. شاخص کل بورس کشور طی روزهای گذشته به سبب تنش‌هایی که در بخش ارزی ایجاد شده بود شاهد نزول و کاهش بود که البته شرایط حاکم نیز چنین رفتاری می‌طلبید. چنین تصمیم‌های کلانی که به طور شتابزده در برابر شوک‌ها از طرف دولت اتخاذ می‌شود این بی‌ثباتی‌ها را تشدید خواهد کرد، هرچند نمی‌توان از تاثیر تاخیری که بانک مرکزی در اتخاذ همین سیاست نه‌چندان کارای خود گرفت چشم پوشید. تاکنون هرجا که از بی‌ثباتی‌های اقتصاد انتقاد می‌شد پای سیاست‌های مالی دولت وسط بود و از کاهش هزینه‌های آن و مدیریت صحیح منابع انتقاد می‌شد اما این‌بار بحث سیاست‌های پولی دولت است. تا وقتی که دولت به چنین سیاست‌های نادرستی که نه‌تنها جو اقتصاد را آرام نمی‌کند بلکه پرتلاطم‌تر از قبل می‌سازد ادامه می‌دهد نمی‌توان به ایجاد ثبات در اقتصاد امیدوار بود. رگ خواب اقتصاد ما همین ایجاد ثبات است و متاسفانه مقام سیاستگذار ما تا ابرو را درست می‌کند به یکباره چشم‌ها را نشانه می‌رود. این نااطمینانی‌های موجود در محیط نه‌تنها مشکلی را حل نمی‌کند بلکه دارد ارزش تورم تکرقمی را از بین می‌برد. این حقیقت که سیاست‌های دولت، به‌طور مستقل از منفعت بانک مرکزی اتخاذ نمی‌شود غیرقابل‌انکار است، تبعات این عدم استقلال را ما در ماهیت بسیاری از سیاست‌های مالی و پولی دولت دیده‌ایم، باید دید این‌بار این سیاست با بدنه اقتصاد کشور چه خواهد کرد. در اقتصاد کشور به علت تسلط سیاست‌های مالی دولت، سیاست‌های ارزی و پولی تحت‌تاثیر آن قرار می‌گیرند و لذا تا زمانی که دولت سیاست‌های بودجه‌ای خود را در جهت متوازن‌سازی بودجه خود پیش نگیرد همواره شاهد انتقال این نابسامانی‌ها از کانال بودجه دولت به بدنه اقتصاد خواهیم بود. باید دید سیاستی که شاید در شرایط کنونی بهترین تصمیم بوده است در آینده به چه سمت‌وسویی می‌رود. استمرار در سیاست‌های درست و کارا از طرف دولت و بانک مرکزی همانقدر باید در دستور کار قرار بگیرد که کنار گذاشتن سیاست‌های این‌چنینی باید. اگر بتوان از شرایط کنونی به گونه‌ای خارج شد که رد پای این خط مشی برای آینده در اقتصاد نماند قطعا عمل قابل تقدیری از طرف مقام سیاستگذار اتخاذ شده است.